



Challenges of Issuing Unifying Rulings in Iran's Judicial Criminal Policy

Abolfazl Ameri Shahrabi¹, Hovhannes Stepanyan²

Abstract

Field and Aims: According to Article 161 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran and Article 471 of the Criminal Procedure Code of 2013, the Supreme Court holds the authority to issue unifying rulings (Ahkām-e Vahdat-e Ruyeh) with the aim of resolving conflicting judgments, ensuring consistency in the interpretation of laws, and guaranteeing judicial security. These binding rulings for lower courts have evolved beyond mere judicial interpretation, effectively serving as a form of judicial rule-making within the Iranian legal system. This elevates their role in shaping and guiding criminal justice policy in Iran. The purpose of this study is to identify and analyze the main challenges in issuing unifying rulings and to assess their implications for the country's criminal justice policy.

Method: This research adopts a descriptive-analytical approach. Data were collected and analyzed through a review of laws, regulations, and judicial practices related to the issuance of unifying rulings, in order to examine the structural, normative, and practical challenges of this mechanism.

Findings and Conclusions: The analysis indicates that the issuance of unifying rulings faces challenges such as tension with the principle of separation of powers, expansion of the Supreme Court's quasi-legislative role, potential conflicts with Sharia and constitutional provisions, difficulties in amending and harmonizing issued rulings, lack of supervisory mechanisms, ambiguity regarding their effective date, and possible contradictions with fundamental principles of criminal law. These challenges demonstrate that, despite their unifying function, such rulings may generate structural and normative tensions within criminal justice policy. Without a review and oversight of the issuance process, Iran's criminal justice policy risks decreased legitimacy, weakened judicial fairness, and instability. Examining these challenges goes beyond procedural discussion, providing a fundamental analysis of one of the key pillars of Iran's criminal justice policy.

Keyword: Supreme Court, Constitution, unifying ruling, criminal justice policy, legislation, separation of powers.

* Citation (APA): Ameri Shahrabi, A., & Stepanyan, H. (2025). Challenges of Issuing Unifying Rulings in Iran's Judicial Criminal Policy. *Applied criminology research*, 3(10), 109-129.

https://www.qacr.ir/article_734388.html?lang=en

1. Ph.D. in History and Theories of Law and State, Yerevan State University, Yerevan, Armenia. (Corresponding Author). Email: A_ameri60@yahoo.com

2. Head of the Legal Research Department, Armenian Academy of Sciences. Email: Hovhannes.estepanyan.@idt.am



چالش‌های صدور آرای وحدت رویه در سیاست جنایی قضایی ایران

ابوالفضل عامری شهبابی^۱✉، هوهانس استپانیان^۲

چکیده

زمینه و هدف: بر اساس اصل ۱۶۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، دیوان عالی کشور صلاحیت صدور آرای وحدت رویه را با هدف رفع تعارض آراء، ایجاد وحدت در تفسیر قوانین و تضمین امنیت قضایی داراست. این آرای الزام‌آور برای محاکم، نقشی فراتر از تفسیر قضایی یافته و به نوعی قاعده‌گذاری قضایی در نظام حقوقی ایران تبدیل شده‌اند، امری که جایگاه آن‌ها را در شکل‌دهی و هدایت سیاست جنایی قضایی ایران برجسته می‌کند. هدف این تحقیق، شناسایی و تحلیل مهم‌ترین چالش‌های صدور آرای وحدت رویه و ارزیابی پیامدهای آن بر سیاست جنایی قضایی است.

روش: پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی انجام شده است. داده‌ها از مرور قوانین، آیین‌نامه‌ها و رویه‌های قضایی مرتبط با صدور آرای وحدت رویه گردآوری و تحلیل شده‌اند تا چالش‌های ساختاری، هنجاری و اجرایی این سازوکار بررسی گردد.

یافته‌ها و نتایج: تحلیل‌ها نشان می‌دهد که صدور آرای وحدت رویه با چالش‌هایی همچون تقابل با اصل تفکیک قوا و گسترش نقش شبه‌تقنینی دیوان، احتمال مغایرت با موازین شرعی و قانون اساسی، دشواری اصلاح و یکپارچه‌سازی آرای صادره، فقدان سازوکار نظارتی، ابهام در زمان لازم‌الاجرا شدن و احتمال تعارض با اصول حقوق کیفری مواجه است. این چالش‌ها نشان می‌دهند که آرای وحدت رویه، با وجود کارکرد وحدت‌بخش، می‌توانند تنش‌های ساختاری و هنجاری در سیاست جنایی ایجاد کنند. در صورت فقدان بازنگری در سازوکار صدور و نظارت بر این آراء، سیاست جنایی قضایی ایران با خطر کاهش مشروعیت، تضعیف عدالت کیفری و ناپایداری مواجه خواهد شد. بررسی این چالش‌ها فراتر از بحث آیین دادرسی، تحلیلی بنیادین از یکی از ارکان مؤثر در سیاست جنایی قضایی کشور است.

کلیدواژه‌ها: دیوان عالی کشور، قانون اساسی، رأی وحدت رویه، سیاست جنایی قضایی، قانون‌گذاری، اصل تفکیک قوا.

*استناددهی (APA): عامری شهبابی، ابوالفضل، و استپانیان، هوهانس. (۱۴۰۴). چالش‌های صدور آرای وحدت رویه در سیاست جنایی قضایی ایران. پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی، ۳(۱۰)، ۱۰۹-۱۲۹.

https://www.qacr.ir/article_734388.html

۱. دکترای تاریخ و تئوری‌های حقوق و دولت از دانشگاه دولتی ایروان، ایروان، ارمنستان. (نویسنده مسئول).

رایانامه: A_ameri60@yahoo.com

۲. رئیس بخش پژوهشگاه حقوقی آکادمی علوم ارمنستان. رایانامه: Hovhannes.estepanyan.@idt.am

نظام‌های حقوقی اعم از حقوق نوشته و کامن‌لا هیچ‌کدام یک سیستم حقوقی بدون قانون نیستند، اما خوانش از موقعیت و کارکرد قانون در عمل در قلمروی آنها تا حدودی تفاوت‌هایی دارد (Gillespie, 2021, p. 9). در کشورهای موسوم به خانواده رومی‌ژمنی یا حقوق نوشته اصولاً وضع و تصویب قانون وظیفه و صلاحیت منحصر مجالس قانون‌گذاری است و ساختارهای قضایی موجود نقش و صلاحیت به خصوصی برای قانونگذاری‌های مستقل و حتی تکمیلی و تفسیری ندارند. این سخت‌گیری در حقوق کامن‌لا که عموماً مبتنی بر سوابق و رویه‌های قضایی قبلی است تا حدودی کم‌رنگ است (Barnard, and Peers, 2020, pp. 4-11).

از این‌رو در نظام حقوقی کامن‌لا این ادعا شهرت نسبی دارد که اصولاً رویه‌های قضایی برای محاکم در دادرسی‌های حقوقی و کیفری قدرتی هم‌عرض با قوانین موجود دارند. به همین خاطر افرادی چون «کاترین الیوت»^۱ حقوقدان انگلیسی معتقد است که «در حقوق بریتانیا نوعی قانون‌گذاری شناور و قضایی رایج است که به تدریج با کنار هم قرار گرفتن رویه‌های قضایی در محاکم نمودار می‌گردد.

این رویه‌ها نوعی واکنش‌ها و فرهنگ‌های قضایی نسبتاً مشابه را بر اغلب محاکم تحمیل کرده و باعث شده‌اند گونه‌ای یکسان‌شدگی در فرایندهای مختلف دادرسی در این نظام حقوقی خودنمایی کند» (Elliot and Quinn, 2011, p. 6). این عبارت یا عقیده تلویحاً یادآور مفهوم رویه‌های قضایی و خصوصاً وحدت رویه در نظام حقوقی ایران نیز بوده و نشان می‌دهد که اثرگذاری آرای قضایی - البته رأی به معنی اعم نه در خوانش وحدت رویه‌گرایانه معمول از آن در ایران در بسیاری از کشورهای دیگر هم در تعیین تکلیف دعاوی حقوقی همیشه به‌نوعی دارای نقش بوده‌اند.

در نظام‌های حقوق نوشته رویه قضایی نقطه تبلور حقوق است. رویه قضایی به قانون عینیت می‌بخشد، به آن تحرک می‌دهد؛ نقاط ضعف و شدت و نارسایی آن را برطرف کرده و موجب رشد و تکامل و تحول قوانین و نیز سایر منابع حقوق است. همچنین رویه قضایی معیار خوبی برای سنجش عدالت می‌باشد. رویه قضایی است که مسیر حرکت تحولات فکری را معین می‌کند و راهگشای رفع برخی از معضلات حقوقی و قضایی در کشور است. امروزه رویه قضایی سهم بزرگی در شکل‌گیری حقوق دارد و بررسی آن به‌عنوان یک ضرورت مطرح

1. Catherine Elliott

است، به طوری که مثلاً شناخت حقوق موضوعه حاکم بر جامعه بدون توجه به رویه قضایی و خصوصاً آرای وحدت رویه عملاً دشوار است.^۱

در حقوق ایران هم در قوانین مصوب در بازه زمانی قبل از انقلاب و هم به موجب قانون اساسی به مسئله لزوم ایجاد وحدت رویه قضایی اشاره شده که نوعاً مراد از آن صدور یکسری آرای خاص در عالی‌ترین مرجع قضایی و فراقضایی کشور یعنی دیوان عالی کشور می‌باشد. بر اساس اصل ۱۶۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ایجاد وحدت رویه قضایی جایگاه اساسی به دست آورده است و می‌توان آن را یکی از مطلوب‌های نظام قضایی قلمداد کرد. این مهم پرداختن به این مقوله را ضروری می‌سازد.

این آراء امروزه در حقوق ایران اعتباری هم‌سطح با قوانین موجود پیدا کرده و لذا در قرائت مصطلح تقارن چندانی با مفهوم عمومی رأی در حقوق ایران ندارند. در نظام حقوقی ایران از آراء وحدت رویه به رویه‌های قضایی الزام‌آور تعبیر می‌شود که بعضاً «قوانین مصوب دیوان عالی کشور» هم خطاب و توصیف می‌شوند. به همین دلیل آرای مذکور جزء منابع اصلی نظام حقوقی ایران محسوب می‌شوند. این آراء در حقوق ایران یک رویه قضایی خاص و الزام‌آور را پی‌ریزی نموده‌اند که حقیقتاً تناسب چندانی با معنا و مفهوم رأی در اغلب نظام‌های حقوقی موجود ندارد. مثلاً مشابه چنین نهادی در کشورهای فرانسه و انگلیس موجود نیست. فرانسه به‌عنوان کشور تابع نظام حقوق نوشته، تفاسیر دیوان عالی کشور کاملاً ارشادی است. در حقوق انگلستان نیز رویه‌های قضایی هر چند از مبانی استنادی محاکم برای دادرسی هستند، اما هیچ‌گاه برخلاف حقوق ایران صراحتاً اعتباری هم‌سطح قوانین پیدا نکرده‌اند.

عطف به این واقعیات، در وضع موجود نظام حقوقی ایران، آرای وحدت‌رویه و موقعیت کلی و نیز فرایندهای اصداری آن‌ها با چالش‌های متعددی روبه‌رو شده‌اند که نمی‌توان بدان‌ها بی‌توجه بود. وقتی چنین آرای اعتبار قانونی دارند، لازم است با جدیت بیشتری به تحلیل منطقی کلی و آسیب‌های رایج فراروی‌شان پرداخت. برخی از چالش‌های موجود فراروی این

۱. امروزه اکثریت حقوقدانان کم‌وبیش پذیرفته‌اند که رویه قضایی منبعی حقوقی است. این پذیرش قطعاً متأثر از واقعیت‌های بیرونی است، ولی با این حال، در توجیه رویه قضایی به‌عنوان منبعی از حقوق، نظری که مورد اتفاق حقوقدانان باشد ارائه نشده است. در واقع نظریه‌های متفاوتی عرضه شده است که هر یک بیش از آنکه طرفدار داشته باشد منتقد دارند. این نظریه‌ها بیشتر حول رویه قضایی در عالم تئوری دور می‌زند. بنابراین، سیری در تاریخ منابع حقوق در نظام‌های نوشته و کاملاً شناخت وضعیت فعلی و نیز نتیجه‌گیری را آسان‌تر خواهد کرد. رویه قضایی در کنار قانون و هم چون قانون، قاعده حقوقی وضع می‌کند و زاینده حقوق است. این دو، قطب‌های اصلی حقوق هستند که دارای عمل متقابل می‌باشند (محمدزاده وادقانی، ۱۳۷۶: ۴۸). محمدزاده وادقانی، علیرضا، «رویه قضایی و نقش سازنده آن در حقوق»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۱۱۲۵، ۱۳۷۶، ص. ۴۸.

آراء اموری ساختاری و ماهیتی‌اند که از میان آنها مثلاً می‌توان اجمالاً به احتمال مغایرت آرای وحدت رویه با قانون اساسی و عدم تعیین تکلیف صریح در قانون اساسی جهت رتق و فتق آن به‌رغم وجود اصل چهارم، مشخص نبودن زمان لازم‌الاجرا شدن آراء وحدت رویه، تعدد و تکرار آرای نامتقارن در موضوعات واحد، نامعلوم بودن فرآیندهای نسخ و تخصیص در مواجهه میان آرای جدید با مقررات تصویبی پیشین و امثالهم در سیاست جنایی قضایی اشاره نمود. لذا این نوشتار با روش توصیفی و تحلیلی مترصد پاسخ‌دهی به این سؤال است که عمده‌ترین مظاهر چالش‌های نظری و عملی فراروی آرای وحدت رویه در کاربست فعلی سیاست جنایی قضایی کدامند؟ در این مسیر ابتدا کلیاتی در خصوص این آراء موضوع بحث قرار گرفته و آنگاه به تحلیل محتوایی چالش‌های مذکور پرداخته خواهد شد.

۱. مفهوم‌شناسی آرای وحدت رویه و مبانی قانونی آن

در آغاز بحث و در قسمت اول تحلیل و تشریح کلیاتی در خصوص مفاهیم عمومی فرارو و به‌ویژه آرای وحدت رویه و کارکردشناسی آن‌ها و نیز مبانی و سوابق قانونی وضع و صدور آن‌ها موضوع بررسی می‌باشد. مطالعه این مبانی به درک مطلوب‌تر از وضع موجود و چالش‌های فراروی آرای مذکور در شکل‌گیری سیاست جنایی قضایی کمک کرده و بستر نظری مناسبی برای ارائه تحلیل‌های منضبط‌تر ترسیم و مهیا می‌سازد. لذا در چند بند مستقل بررسی و تحلیل این مهمات مقدماتی و نظری در کانون بحث و بررسی قرار خواهند گرفت.

۱-۱. مفهوم‌شناسی رأی وحدت رویه

اولین پرسشی که در بحث از وحدت رویه قضایی باید به آن پرداخت، چیستی این مقوله است. اگر از وحدت رویه قضایی سخن گفته می‌شود منظور چیست؟ رویه قضایی یکی از منابع حقوقی در نظام‌های حقوقی مختلف اعم از رومی‌ژرمنی و کامن‌لا می‌باشد. در سلسله‌مراتب منابع حقوق پس از قانون و عرف، سومین منبع رویه قضایی است (کاتوزیان، ۱۳۵۴، ص ۲۲)، بدیهی است هر قانون‌گذاری در پیش‌بینی تمامی روابط افراد جامعه ناتوان است؛ بنابراین، نمی‌توان در قوانین جامعه کلیه راه‌حل‌های قانونی را ملاحظه نمود. دادرسان از طریق انطباق قواعد موجود با واقعیت‌های خارجی این نقیصه را مرتفع می‌نمایند. منظور از رویه قضایی در معنی مطلق، مجموع آرای دادگاه‌ها و در معنی خاص، روش یکسان دادگاه‌ها یا دسته‌ای از آن‌ها در مورد مسئله حقوقی معین و تکرار آن به صورتی می‌باشد که بتوان گفت در صورت مواجه شدن با مورد مشابه همان روش اتخاذ خواهد می‌شود. در یک طبقه‌بندی دیگر رویه قضایی شامل دو گونه آرای عادی محاکم و آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور دانسته می‌شود که در نظام حقوقی ایران نیز از آن استقبال شده است. بنابراین، آرای وحدت

رویه گونه‌ای خاص از رویه‌های قضایی هستند که برخلاف آرای صادره از سایر محاکم دارای آثار و تشریفات صدور خاصی هم می‌باشند (حسینی، ۱۳۸۸، ص ۴۸).

در وضع موجود نظام حقوقی ایران، صدور آرای وحدت رویه از وظایف انحصاری دیوان عالی کشور است. این آراء با مجوز قانون اساسی و نیز قانون آیین دادرسی کیفری نوعاً به منظور جلوگیری شیوع استنباط‌های معارض و متفاوت از متون قانونی و به منظور ایجاد رویه‌های تفسیری- دادرسانه متحداً شکل به مثابه نهادی در عرض قوانین موجود از سوی دیوان عالی کشور تصویب و اجرایی می‌شوند. اهمیت آرای وحدت رویه در این است که از نظم و تنظیم‌گری اجرایی در نظام حقوقی- دادرسی حکایت کرده و موجبات آن را مهیا می‌سازند. لذا انتظار این است که با ایجاد وحدت رویه احتمال تعارضات در تفسیر قوانین و اجرای آن‌ها کاهش یافته و مسیر سیاست جنایی قضایی در کشور هم استوارتر و عادلانه‌تر گردد.

در وضع کنونی نظام حقوقی ایران ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر نموده است: «هرگاه از شعب مختلف دیوان عالی کشور یا دادگاه‌ها، نسبت به موارد مشابه اعم از حقوقی، کیفری و امور حسبی با استنباط متفاوت از قوانین آرای مختلفی صادر شود، رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور به هر طریق که آگاه شوند مکلف‌اند نظر هیئت عمومی دیوان عالی کشور را به منظور ایجاد وحدت رویه درخواست کنند...». با توجه به این ماده، رأی وحدت رویه، رأیی است که در صورت وجود آرای متناقض دادگاه‌ها در موارد مشابه توسط هیئت عمومی دیوان عالی کشور صادر می‌شود. بر اساس این مقرره، تفاوتی نمی‌کند که این آرای متناقض در چه موضوعی بوده یا توسط کدام‌یک از دادگاه‌های موجود اعم از دادگاه حقوقی، کیفری، شعب دیوان عالی و یا سایر مراجع صادر شده باشند. در واقع، رأی وحدت رویه از استنباط مختلف و متفاوت قوانین جلوگیری می‌کند و به نوعی سبب ایجاد نظم و عدم وجود پراکندگی و تشتت آراء در محاکم می‌گردد. درخواست رسیدگی به آرای متناقض صادره از محاکم می‌تواند به هر نحوی به اطلاع رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان برسد و آن‌ها به محض اطلاع موظف هستند با تشکیل هیئت عمومی دیوان به این موضوع رسیدگی کرده و توسط آن هیئت رای وحدت رویه صادر کنند (اسدیان، ۱۳۹۴، ص ۲۳).

شایان ذکر است که آرای وحدت رویه تنها آرای نیستند که از سوی دیوان عالی کشور صادر شده و به نوعی دارای اعتبار اجرایی و تکلیفی هستند. رأی اصراری جلوه دیگری از این توانمندی‌هاست که در جهات بسیاری با آرای وحدت رویه متفاوت می‌باشند. موارد صدور رأی اصراری برخلاف آرای وحدت رویه زمانی است که دیوان عالی کشور در مراحل چون فرجام‌خواهی، آرای مورد فرجام را نقض و آن را به شعبه هم‌عرض دادگاه صادرکننده رأی

ارجاع دهد و آن دادگاه نیز بر رأی دادگاه بدوی اصرار ورزد. در چنین مواردی هیئت عمومی دیوان اقدام به صدور رأی اصراری می‌نماید.

مع‌هذا رأی وحدت رویه در حکم قانون بوده و برای تمامی قضات و دادگاه‌ها لازم‌الاجرا است؛ اما رأی اصراری چنین وصفی نداشته و بیشتر جنبهٔ ارشادی داشته و صرفاً برای دادگاه اصرارکننده لازم‌الاجرا است. رأی اصراری به درخواست رئیس شعب دیوان از رئیس دیوان عالی کشور و پس از اصرار شعبه هم‌عرض بر رأی شعبه بدوی صادر می‌شود؛ ولی رأی وحدت رویه به درخواست دادستان یا رئیس دیوان عالی کشور و در صورت وجود رأی متناقض در موارد مشابه، صادر می‌گردد (محمدیان، ۱۳۹۷، ص ۵۴).

۱-۲. رأی وحدت رویه به‌مثابهٔ قانون مصوب دیوان عالی کشور؛ مبانی قانونی

در حقوق سایر کشورها دخالت قوهٔ قضائیه در امر قانون‌گذاری دارای یکسری مظاهر خاص و نسبی است که ماهیتاً با فلسفهٔ صدور رأی وحدت رویه در ایران تفاوت دارند. در حقوق سایر کشورها مانند: آمریکا و فرانسه این دخالت عموماً صبغهٔ نظارتی دارد و در چارچوب مکانیسم‌هایی چون دادگاه‌های قانون اساسی عملیاتی می‌گردد که هدف از آنها صیانت از قانون اساسی است، نه قانون‌گذاری مستقل توسط قوهٔ قضائیه. در آمریکا نظارت بر قانون اساسی توسط دیوان عالی این کشور به‌طور صریح در قانون اساسی پیش‌بینی نشده است، اما دیوان عالی از سال ۱۸۰۳ میلادی بر طبق تفسیری که از قانون اساسی نمود این حق را برای خود به رسمیت شناخت (داوید، ۱۳۸۳، ص ۵۹).

منظور از نقش قوهی قضائیه در قانون‌گذاری در واقع فراتر از نظارت دادگاه‌ها بر اجرای قانون اساسی است و دربرگیرندهٔ نقش مستقیم و مؤثر قوهی قضائیه در امر قانون‌گذاری است، نظیر آنچه در انگلستان و در نظام کامن‌لا عمل می‌شود. در انگلستان این دادگاه‌ها هستند که حدود صلاحیت پارلمان در امر قانون‌گذاری را مشخص می‌کنند و حتی اصولی که زیربنای قانون اساسی غیرمدون انگلیس است را تنظیم می‌نمایند. در انگلستان عمل قضات چه از نظر رویه‌ی قضایی یا قاعده برتری نظریه‌ی سابق و چه تفسیر قانون، سازنده قانون است و از این راه دادگاه‌ها اختیارات قانون‌گذار را محدود کرده و به تفکیک قوا تعرض می‌نمایند.

در ایران استقلال قوهٔ قضائیه از قوهٔ مقننه به معنای پیروی نکردن دستگاه قضایی کشور از قانون نیست، بلکه رعایت قانون بر همه قوا و دستگاه‌ها لازم است؛ بنابراین، قوهٔ قضائیه بدون اتکا و استناد به قانون نمی‌تواند زمینه‌ساز اجرای هیچ مدلی از دادرسی واقع شود (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ص ۲۱۱). حتی صدور رأی وحدت رویه هم با اجازهٔ قانون‌گذار است و دیوان هیچ‌گاه رأساً چنین اختیاری در حقوق ایران نداشته است؛ اما به نظر بسیاری از حقوقدانان در ایران مواردی از مداخله مستقیم قوهٔ قضائیه در قانون‌گذاری نیز وجود دارد که رأی وحدت رویه



مصادقی اصلی و بارز آن به‌شمار می‌رود. به موجب اصل ۱۶۱ قانون اساسی؛ «دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه‌ی قضایی و انجام مسئولیت‌هایی که طبق قانون به آن محول می‌شود بر اساس ضوابطی که رئیس قوه‌ی قضاییه تعیین می‌کند تشکیل می‌گردد». با استناد به همین اصل است که ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز به مانند قوانین قبلی در حقوق و نظام دادرسی عمومی در ایران به امکان و لزوم صدور آرای وحدت رویه اشاره نموده است؛ آرای که معنا و اثری فراتر از رأی در معنای مصطلح حقوقی یافته و ماهیتاً اقدامی شبیه قانون‌گذاری توسط قوه قضاییه و مشخصاً دیوان عالی کشور محسوب می‌شوند. به همین خاطر است که این آراء در حکم قانون بوده و برای محاکم لازم‌الاجرا می‌باشند (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۹، ص ۵۱).

لازم به ذکر است که در قانون وحدت رویه‌ی قضایی مصوب ۱۳۲۸ به‌عنوان اولین مستند قانونی به امکان ایجاد وحدت رویه قضایی از مجرای صدور آرای وحدت رویه اشاره شده است. آرای وحدت رویه‌ی قضایی در شرایط کنونی در ایران در حکم قانون بوده و چه‌بسا آرای وحدت رویه‌ای تصویب و اجرایی شود که متضمن برداشت جدیدی از قانون بوده که هیچ‌گاه مورد نظر قانون‌گذار نیز نبوده‌اند، اما چون این آراء اقتدار قانونی پیدا کرده‌اند، حتی عملاً قادرند موجب نسخ و یا تخصیص محتواهای قانونی موجود گردند. این امر مؤید آن است که صدور آرای وحدت رویه در نظام حقوقی ایران ماهیتاً نوعی قانون‌گذاری قضایی است (کریمی، ۱۳۹۰، ص ۷۴) و زمینه شکل‌گیری سیاست جنایی قضایی است.

البته باید توجه داشت که آرای وحدت رویه، قلمرو گسترده‌ای ندارند و یا به عبارتی صلاحیت دیوان عالی کشور در مورد ایجاد وحدت رویه محدود و منحصر است به مواردی که بین محکمه‌های مختلف در مورد موضوع‌های مشابه از قانون تلقی واحدی وجود نداشته باشد و راجع به استنباط از قوانین، رویه‌های مختلفی اتخاذ شده باشد و این اختلاف‌نظر از راه قانونی به دیوان منعکس شود؛ بنابراین، دیوان عالی کشور برای وضع قاعده از طریق تفسیر قانون و ایجاد وحدت رویه مبسوط‌الید نبوده و باید منتظر بروز اختلاف آراء به روش مذکور باشد و در صورتی که اختلافی پیش نیاید، دیوان عالی کشور نمی‌تواند رأساً اقدام به وضع قاعده‌ای نماید؛ بنابراین، دیوان عالی کشور را نمی‌توان در ردیف مجلس شورای اسلامی که نهادی قانون‌گذار است تلقی کرد؛ زیرا برخلاف مجلس که وظیفه آن وضع قواعد است، دیوان عالی کشور در موارد اختلافی اقدام به تعیین رویه می‌نماید و نمی‌تواند رأساً اقدام به وضع قاعده‌ای الزام‌آور نماید (مدنی، ۱۳۷۵، ص ۲۱۳-۲۱۵).



۲. چالش‌های ایجاد وحدت رویه قضایی

ارتقای سلامت و کارایی دستگاه قضایی و تحقق عدالت قضایی از جمله موارد ضرورت ایجاد وحدت رویه قضایی است، ولی در نقطه مقابل دلایل به سود ایجاد وحدت رویه قضایی، مؤلفه‌هایی نیز وجود دارد که تلاش برای ایجاد وحدت رویه قضایی را ناموجه و یا دست‌کم با چالش مواجه می‌سازد. از جمله می‌توان به اصل تفکیک قوا، ناهماهنگی با موازین شرعی، تقابل اصول کلی حقوقی و محدودیت‌های اجرایی اشاره کرد که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

۲-۱. تقابل با اصل تفکیک قوا

یکی از مهم‌ترین موانع در راه ایجاد وحدت رویه قضایی، اصل تفکیک قوا است. این اصل، دست‌کم در قرائت فرانسوی آن، دادگاه‌ها را از قاعده‌سازی یا مداخله در امر قانون‌گذاری منع می‌کند. این اصل موجد دو قاعده کلی است: نخست، منع دادگاه‌ها از وضع قواعد کلی و دوم منع دادگاه‌ها از اعمال هر قاعده‌ای غیر از قوانین موضوعه (رفیعی، ۱۴۰۱، ص ۲۶).

به تعبیر «هوارد یاکوبسن» حقوقدان آلمانی، اصل تفکیک قوا ملزومات مختلفی دارد که خطرناک‌ترین آن‌ها عدم دخالت مراجع غیرقانونگذار در امر قانون‌گذاری است. وی تحکیم موقعیت قوه مقننه را در برابر سایر قوا شرط اصلی تحقق تفکیک قوا دانسته و مدعی است از زمان منتسکیو تاکنون کمتر نظامی حقوقی بوده است که شاهد بر رخداد چنین حقیقتی باشد. لذا وی به جای تفکیک قوا به وجود و شکل‌گیری سیاستی به نام اختلاط و ترکیب قوا رسیده و اساساً تفکیک قوا را در آن تحلیل‌های قدیمی، آرمانی و پیشین‌چندان محقق‌شدنی نمی‌داند (Howard, 2023, p. 173).

متفکرانی چون منتسکیو از وجود تفکیک قوا در جوامع به‌عنوان شری حیات سیاسی یاد کرده و معتقدند نقض این اصل با هر دلیلی که صورت گیرد عاقبت نتیجه‌ای جز بی‌نظمی و بی‌ثباتی بیشتر در دنبال کردن سیاست‌های عمومی جامعه به‌تبع نخواهد داشت (منتسکیو، ۱۳۸۷، ص ۲۳۳). برای تحقق آرمان تفکیک قوا وی پیشنهاد می‌کند که اول باید یک‌سری نهادهای سیاسی مناسب که وظایف مربوط به هر یک از قوای سه‌گانه را تجسم می‌بخشند در جوامع برقرار شوند و آنگاه قوای موجود طوری در برابر هم نهاده شوند که در عین به‌سامان شدن کار دولت و تمشیت امور حکومت امکان تجاوز کاری را از یکدیگر سلب نمایند (Clark, p. 7). ضابطه منتسکیو برای تفکیک قوا قانون است. به زبان ساده‌تر قانون را در مرکز امور و استدلال خود قرار می‌دهد و وظایف اندام‌ها و دستگاه‌های مملکتی را در قبال آن می‌سنجد و پردازش می‌کند (محمدزاده، ۱۳۹۳، ص ۲۹).

امروزه البته در کنار تفکیک نسبی قوا مفاهیم دیگری نیز مانند همکاری قوا و ارتباط بین قوا در برخی از جوامع مطرح شده و حتی برخی از کشورها به تدریج در قوانین اساسی خود به

نمونه‌هایی از آن‌ها تصریح نموده‌اند.^۱ به‌طور مثال، در آخرین اصلاحات قانون اساسی بلژیک صراحتاً آمده است که در ساختار سیاسی حکومت ملی بلژیک اصل بر تعاون و تعامل عملکردی قوا بوده و جز دولت مرکزی هیچ نهادی نمی‌تواند برای فعالیت نهادهای زیرمجموعه قوای مختلف تصمیم‌گیری نماید (Norbert, 2019, p. 218). چنین مقرراتی نشان از آن دارد که امروزه دیگر اصل تفکیک قوا در آن تعابیر و تحلیل‌های سنتی و افراطی موضوع بحث نظامات سیاسی و متفکران مختلف نمی‌باشد. با این حال، هیچ‌گاه نمی‌توان از تعبیری چون تعامل قوا مفاهیمی نظیر دخالت و تصدی‌گری قوا را در هیچ سطحی نسبت به همدیگر مستفاد نمود (Ackerman, 2000, p. 643).

به همین خاطر است که امروزه در فضای حقوق داخلی و ملی ایران گفته می‌شود آرای وحدت رویه چون نوعی قانون‌گذاری به‌شمار می‌روند، مستقیماً دخالت در امر تفتین بوده و نمی‌توان آن را مصداقی از تعاون قوا دانست، بلکه این مصداقی آشکار از نقض اصل تفکیک قوا حتی در مفهوم و برداشت‌های نسبی و محدود از آن است.

قانون‌گذاری به‌ویژه وقتی به سیاست‌گذاری نزدیک می‌شود از شئون اختصاصی نمایندگان مردم که در انتخابات برگزیده شده‌اند، دانسته می‌شود. ایجاد قاعده کلی به‌وسیله دادگاه‌ها انحراف از ارزش‌های دموکراتیک تلقی می‌شود؛ زیرا دادگاه‌ها نهادهای غیر دموکراتیک هستند و برخلاف نمایندگان که در مقابل رأی‌دهندگان پاسخ‌گو هستند، قضات اغلب انتصابی پاسخ‌گو نیستند (وکیلان، ۱۳۹۷، ص ۷۰).

به‌زعم برخی از تحلیل‌گران وجود آرای وحدت رویه که اعتباری هم‌پایه با قانون دارند و بسیاری مواقع حتی موجب نسخ و حذف برخی از مقررات قانونی موجود در کشور شده‌اند، این حقیقت به ذهن متبادر می‌شود که در حقوق ایران منظور از اصل تفکیک قوا آن‌گونه که در حقوق خارجی و تاریخی مصطلح است نبوده و بلکه باید به‌نوعی حتی از تجویز دخالت قوا در قلمروی صلاحیت‌های ذاتی همدیگر سراغ گرفت (راسخ، ۱۳۹۸، ص ۳۶).

۱. در تاریخ حقوق اساسی جدای از طرز برداشت‌های رایج از اصل تفکیک قوا یک‌سری تحلیل‌های متفاوت دیگر از آن ارائه شده که هرکدام به نحوی روی به تنظیم نظم و ثبات در ساختار سیاسی جامعه از رهگذر همکاری قوا با همدیگر دارند. مثلاً برخی از متفکران پیشنهاد تشکیل قوه مؤسس را داده‌اند که ماهیتاً با سه قوه قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی تفاوت داشته و از لحاظ سلسله‌مراتب بر آنها رجحان دارد. برخی دیگر از صاحب‌نظران به وجود قوه تعدیل‌کننده اعتقاد داشتند که برخلاف قوای سه‌گانه که باید در برابر هم آرایش یابند و از زیادت‌خواهی و برتری جویی یکدیگر جلوگیری کنند، این قوه بی‌طرف و فوق سایر قواست. رئیس کشور مانند پادشاه یا رئیس‌جمهور مظهر چنین قوه‌ای به‌شمار می‌آید. در شرایطی که اختلاف پارلمان و هیئت دولت به بحران منجر شود، قوه تعدیل‌کننده با دخالت جلوی هرج‌ومرج را می‌گیرد. این قوه گاهی حکم آشتی‌دهنده و زمانی رسالت حل‌وفصل‌کننده دارد. هاشمی، سید محمد، بایسته‌های حقوق اساسی، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۱، صص. ۱۶۸-۱۴۳.

با چنین تحلیل‌هایی است که برخی دیگر از حقوق‌دانان صراحتاً از چنین پدیده‌ای به‌عنوان نقض قهری اصل تفکیک قوا و برتری نسبی هرکدام از قوا بر همدیگر از جهاتی خاص سخن گفته‌اند. چنین پدیده‌ای باعث شده که امروزه در آسیب‌شناسی موقعیت آرای وحدت رویه بر این موضوع تأکید شود که قانون‌بودگی چنین آرای یک چالش بنیادین و عامل دوری نظام حقوقی ایران از دستاوردهای تاریخی در حوزه حقوق اساسی و عمومی است.

توازن پایدار میان حفظ ارزش‌ها و انگاره‌های اجتماعی و نگارش قوانین کارآمد بر این ضرورت تأکید دارد که روح جامعه انسانی باید در افق دید کارگزاران قوه مقننه قرار گیرد و قانون‌گذاری صلاحیتی باشد که انحصاراً در حیطه اختیارات این قوه است. برون‌سپاری وظایف قانون‌گذارانه در جامعه غالباً سازگاری چندانی با روحیه زیست حقوقی عدالت‌محور نداشته و چه‌بسا خود از موجبات تعرض به حریم چنین اصولی باشد (Sanchez, 2019, p. 189).

وقتی آرای وحدت رویه که بعضاً حاوی نکاتی بسیار مختصر و شکلی هستند اعتبار قانونی داشته باشند عملاً به تدریج بر حجم پدیده تورم قوانین افزوده شده و این خود موجب کاهش اقتدار قانون در برابر شهروندان و افزایش هزینه‌های تنسيق سیاست قانون‌گرایی و عمل به مسلمات قانونی در جامعه می‌گردد؛ بنابراین، آرای وحدت رویه علاوه بر همه نقدهای پیش‌گفته از منظر آسیب‌شناسی اجتماعی - حقوقی نیز مورد نقد و نظر بوده و آشکارا در زمره عوامل افزایش حجم کلی متون و موازین قانونی جامعه به‌شمار می‌روند که حتی بعضاً شناخت از تمامی آن‌ها برای خود قانون‌گذار نیز دشوار می‌گردد. این مسأله موجب شده در حقوق ایران در زمان قانونگذاری‌های خاص در مجلس عملاً قوانینی وضع شود که در ناهماهنگی کامل با آرای وحدت رویه بوده که خود امروزه از موجبات بی‌ثباتی در تنظیم‌گیری حقوقی در جوامع شناخته شده است.

۲-۲. مغایرت با موازین شرعی

یکی از مسائلی که باید در مقام ارزیابی نهاد صدور آرای وحدت رویه به آن پرداخت، نسبت این نهاد با موازین شرعی است. در اینجا نسبت کلیت نهاد آرای وحدت رویه با شرع مورد بحث است. بر این اساس از بحث مغایرت مفاد آرای وحدت رویه با شرع که موضوع بحث نیست (رفیعی، ۱۴۰۱، ص ۵۵)؛ بنابراین یکی از مبنایی‌ترین ایراداتی که به فرایند وضع و تصویب آرای وحدت رویه گرفته شده این است که چنین آرای با خصلت قانون‌گذارانه خاص خود نمی‌توانند مطابق با موازین شرعی بوده و حتی از صراحت قانون اساسی نیز هرگز اختیاری مبنی بر مجاز بودن دیوان عالی کشور به وضع آرای قانون‌گونه که متابعت از آنها برای سایر قضات و محاکم اجباری و الزامی باشد، مستفاد نمی‌گردد.

مبنای چنین ایرادی ریشه در یکی از نظرات شورای نگهبان دارد که در سال ۱۳۶۶ و در مقام طرح ایراد نسبت به لایحه قانون آیین دادرسی کیفری وقت مطرح شده و در آن وجود ماده‌ای که شبیه به ماده ۴۷۱ کنونی بود را مغایر با شرع دانسته شد. البته به‌رغم چنین نظراتی و با وجود آن نظریه سابق شورای نگهبان مشاهده می‌شود که امروزه و خصوصاً بعد از تصویب قوانینی چون قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۳ و نیز قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ رسماً شورای نگهبان از آن عقاید و نظرات پیشین خود روی‌گردان شده که دلیل و مبنای آن هم تاکنون به‌صراحت مشخص نشده است. در واقع، هنوز این موضوع از لحاظ ساختاری و مبنایی بلا تکلیف است که عاقبت آیا ملزم شدن قضات و محاکم دیگر به تبعیت از آرای وحدت رویه تقارنی با مسلمات شرعی و تعریف شرعی و فقهی از نهاد قضاوت دارد یا خیر؟

لازم به ذکر است که مجمع مشورتی حقوقی این شورا در خصوص ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، چنین نکته‌ای را متذکر شد که البته مورد پذیرش قرار نگرفت، «ایراد شورا در سال ۶۶ به این صورت بود که از لحاظ شرعی الزام قاضی بر تبعیت از استنباط قضات دیگر و منع مطلق از عمل به استنباطات خود شرعی نمی‌باشد که این ایراد همچنان به این ماده نیز وارد می‌باشد^۱». با توجه به عدم دسترسی به مشروح مذاکرات شورای نگهبان علت عدول این شورا از نظر قبلی خود مشخص نیست. با این حال، شاید مأذون بودن قضات و امکان مقید کردن آن‌ها به رعایت ضوابط قانونی مبنای دیدگاه جدید بوده است (رفیعی، ۱۴۰۱، ص ۵۶).

هرچند اغلب حقوقدانان نظر بر این دارند که اجازه صدور آرای وحدت رویه به شکل کنونی که نوعی قانون‌گذاری باشد به دیوان عالی کشور داده شده است (باری، ۱۳۹۶، ص ۳۱)، اما لاقلاً در سطح نظری هنوز جای طرح این مباحث وجود دارد و نیاز است که نهادی مثل شورای نگهبان که طی چند دهه اخیر مواضع متعارضی در خصوص آن اتخاذ نموده، به‌طور مستندتری راجع به آن ارائه طریق نماید.

۲-۳. مغایرت با قانون اساسی

یکی از ایرادات مهم به نهاد صدور آرای وحدت رویه، مغایرت آن با قانون اساسی است. در مقام ارزیابی نسبت نهاد صدور آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور با قانون اساسی در ابتدا طرح این پرسش ضروری است که آیا اصل ۱۶۱ قانون اساسی متضمن تجویز صدور آرای وحدت رویه از سوی دیوان عالی کشور است؟

۱. این نظر که تاریخ آن ۱۳۹۰/۷/۴ است. در سامانه جامع نظرات این شورا قابل مشاهده است.

به باور یکی از نویسندگان از این اصل نمی‌توان استنباط کرد که دیوان عالی می‌تواند رأی وحدت رویه‌ای صادر کند که همه دادگاه‌ها به تبعیت از آن ملزم باشند. این نویسنده بیان داشته است که به نظر می‌رسد مقصود اصل ۱۶۱ قانون اساسی از وحدت رویه، فقط ایجاد نهادی برای فرجام‌خواهی و یا مشورت احتمالی و اختیاری قاضیان بوده است. قانون اساسی می‌خواسته است که دیوان عالی کشور با رسیدگی فرجامی خود بر آرای دادگاه‌های پایین‌تر نظارت داشته باشد و با فرجام ایجاد وحدت رویه کند، نه با صدور رأی وحدت رویه» (جعفری تبار، ۱۳۹۶، ص ۵۸-۵۴).

در نقطه مقابل گفته شده است که تصریح قانون اساسی به این‌که ایجاد وحدت رویه قضایی از وظایف دیوان عالی کشور است از یک‌سو و توجه به این موضوع که این تصریح در زمانی صورت گرفته که هیئت عمومی قوانین سال ۱۳۲۸ و ۱۳۳۷ را به همین منظور اجرا می‌کرده حاکی از آن است قانون اساسی همین روش را پذیرفته است و به قوه قضاییه برخلاف تفکیک قوا اجازه داده، قاعده کلی لازم‌الاتباع وضع کند (باری، ۱۳۹۶، ص ۳۱).

در مقام ارزیابی این دو دیدگاه باید به این پرسش پاسخ داد که آیا ایجاد وحدت رویه با صدور رأی وحدت رویه تلازم دارد یا خیر؟ اگر بلی، آنگاه بنا به قاعده اذن در شیء اذن در لوازم آن است، باید دیدگاه دوم را پذیرفت؛ یعنی اصل ۱۶۱ متضمن تجویز صدور آرای وحدت رویه از سوی دیوان عالی کشور است. اگر بر این باور باشیم که ایجاد وحدت رویه با صدور رأی وحدت رویه تلازمی ندارد، در این صورت دیدگاه دوم مردود خواهد بود، اما با این حال نمی‌توان گفت که اصل ۱۶۱ متضمن تجویز صدور آرای وحدت رویه نیست. چه این‌که بنا به این دیدگاه هرچند اصل ۱۶۱ اختیار دیوان عالی کشور برای صدور رأی وحدت رویه را تجویز نمی‌کند، اما منع صدور این‌گونه آراء نیز از این اصل قابل استنباط نیست (رفیعی، ۱۴۰۱، ص ۵۷).

شورای نگهبان، با توجه به عدم ایراد به ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ و ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، صدور آرای وحدت رویه از سوی دیوان عالی کشور را مغایر قانون اساسی ندانسته است. در خصوص چرایی امر، چنین می‌توان گفت که این شورا ایجاد وحدت رویه را با صدور رأی وحدت رویه متلازم دانسته است (رفیعی، ۱۴۰۱، ص ۵۹).

۲-۴. چالش تجدیدنظر در آرای وحدت رویه و یکپارچه‌سازی آنها توسط خود دیوان عالی کشور

آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور که از آن با عنوان کلی رویه قضایی یاد می‌شود در شمار منابع رسمی حقوق است. بدین معنا که آرای هیئت عمومی دیوان عالی کشور هم‌چون قوانین

مصوب مجلس در دادگاه‌ها قابل استناد و لازم‌الاجراست. این مشابهت بدان جهت است که رأی وحدت رویه مانند قانون منبع حقوق محسوب می‌شود. با وجود این تشابه، بررسی اوصاف و قواعد حاکم بر آرای وحدت رویه و رابطه آن با قانون مسائلی را قابل توجه می‌نماید. از جمله این مسائل همان موضوع تغییر آرای وحدت رویه پیشین توسط هیئت عمومی دیوان عالی کشور است که در برخی جهات با ابهام مواجه شده است. ظاهراً در حقوق ایران اختیار دیوان عالی کشور در این باره به موجب قانون صراحتاً به رسمیت شناخته نشده است، در حالی که قوانینی مانند قانون آیین دادرسی کیفری و موضع عمومی مقررات آن در این باره به گونه‌ای است که نشان می‌دهد، دیوان عالی کشور در تغییر آرای وحدت رویه سابق مجاز بوده و مثلاً می‌تواند با تصویب آرای مغایر دست به نقض و لغو آرای وحدت رویه قبلی خود بزند (موسوی، ۱۳۷۹، ص ۲۷).

دشواری مسأله مربوط به جایی و زمانی است که مثلاً در یک رأی وحدت رویه جدید فقط بخشی از قوانین موجود یا آرای قبلی نسخ و حذف شود، در این صورت عملاً مقوله تجزیه شدن مفاد و محتوای رأی مطرح می‌شود که غالباً و منطقاً راه برون‌رفت از هم همین است که مثلاً دیوان عالی در اقدامی ابتکاری دست به هماهنگ‌سازی شکلی و ماهوی آرای مذکور زده و نصی جدید را جایگزین آن‌ها نماید. قطعاً چنین اقدامی در شرایط کنونی با ایراد قانون اساسی مواجه بوده که مقبول نظر شورای نگهبان نیز نخواهد بود. لذا نتیجه چنین وضعیتی این است که آرای در جامعه وجود دارد که اساساً نمی‌توان آن‌ها را از هر نظر معتبر و از هر نظر هم منسوخ دانست؛ وضعیتی که قطعاً موجب سردرگمی مراجعان به دادگستری و حتی خود قضات و محاکم نیز خواهد بود.

۲-۵. نبود نظارت شرعی و قانون اساسی

سؤال مهمی که در این بند قابل طرح است مربوط به نحوه نظارت شورای نگهبان بر آرای وحدت رویه از رهگذر اعمال مفاد اصل چهارم قانون اساسی است. در واقع، سؤال این است که اگر مثلاً این شورا یک رأی وحدت رویه را مغایر با شرع بداند در شرایط کنونی چگونه می‌تواند مانع از اجرایی شدن آن گردد؟ اصل چهارم قانون اساسی ضرورت انطباق «کلیه قوانین و مقررات» با موازین اسلامی را تجویز کرده و تشخیص آن را بر عهده فقهای شورای نگهبان گذاشته است، اما آیا عبارت «کلیه قوانین و مقررات» آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور را نیز در برمی‌گیرد؟

گفته شده است که با توجه به مقتضای عموم مستفاد از این عبارت، چون احکام وحدت رویه دیوان عالی کشور نیز دارای وصف کلیت است و در حکم قانون شناخته شده است، می‌توان آن را مشمول عموم اصل چهارم قرار داد. با این حال، در قانون اساسی برای اعمال

نظارت شرعی فقهای شورای نگهبان بر آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور سازوکاری پیش‌بینی‌نشده است (رفیعی، ۱۴۰۱، ص ۶۲).

شورای نگهبان در جریان بررسی لایحه آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ به ماده ۲۶۹ مصوبه مجلس (ماده ۲۷۰) قانون چنین ایرادی را وارد کرد: «اطلاق ذیل ماده ۲۶۹ در صورتی که رأی اکثریت مطابق موازین شرعی نباشد، خلاف شرع است». در این ماده چنین مقرر شده بود: «رأی اکثریت ملاک عمل خواهد بود». مجلس در مقام رفع ایراد این حکم را بدین شرح اصلاح و مقید نمود، بدون اینکه به الزامات آن اشاره‌ای بکند: «رأی اکثریت که مطابق موازین شرعی باشد، ملاک عمل خواهد بود». لازم به ذکر است که شورای نگهبان به ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، ایرادی نگرفت. در عمل نیز تاکنون با اعمال نظارت شرعی از سوی فقهای شورای نگهبان بر آرای وحدت رویه مواجه نبوده‌ایم^۱ (رفیعی، ۱۴۰۱، ص ۶۲).

بنابراین در قوانین موجود و حتی در قانون اساسی بحث خاصی در این خصوص وجود ندارد، اما به نظر می‌رسد که در این صورت جز قائل شدن به امکان ابطال چنین آرای از سوی شورای نگهبان در سطحی کلان، فعلاً در خصوص چگونگی عملی شدن این نظر نمی‌توان هیچ‌گونه موضع قطعی و روشنی اتخاذ نمود. لذا نیاز است حتی در سطح قانون اساسی به این موضوع توجه شده و قانون‌گذار یا با وضع قانونی عادی و یا حتی احتمالاً در بازنگری‌های آتی و احتمالی در قانون اساسی در این زمینه اتخاذ نظر نماید.

۲-۶. مشخص نبودن زمان لازم‌الاجرا شدن آرای وحدت رویه

با توجه اینکه آرای وحدت رویه عملاً نوعی قانون محسوب می‌شوند و به‌عنوان یک مقرر قانونی باید به تحلیل موقعیت‌شان پرداخت، اکنون این سؤال مطرح می‌شود که زمان لازم‌الاجرا شدن این دقیقاً از کی و از چه زمانی محسوب می‌شود؟ آیا تاریخ اعلام نظر هیئت عمومی دیوان عالی کشور، یا از زمان تنظیم و امضای آن و یا به مانند قوانین از زمان درج در روزنامه رسمی و پانزده روز پس از انتشار و یا ضابطه دیگری ملاک تحقق و برآورد زمان مذکور خواهد بود؟

در هیچ‌کدام از قوانین موجود هیچ‌گونه مقرر صریحی در این مورد وجود ندارد، اما ظواهر امر نشان می‌دهد که این آراء از روز تصویب و به‌محض اعلام علنی توسط دیوان و حتی در

۱. در مقاله‌ای به یکی از نظرات منتشر نشده شورای نگهبان اشاره شده که حسب آن رأی وحدت رویه شماره ۳۷ مورخ ۱۳۳۳/۹/۱۹ خلاف شرع اعلام شده است. نیکونهاد، حامد و زهرا زندیه، «حکومت موازین اسلامی...»، دانش حقوق عمومی، سال ۸، شماره ۲۴، ۱۳۹۸، ص. ۱۱۲.

شرایطی که از مبادی رسمی نیز پوشش داده نشده‌اند، قدرت اجرایی و عملی پیدا کرده و مورد استناد محاکم نیز قرار می‌گیرند. البته اطلاق کلام ماده واحده موسوم به قانون وحدت رویه و نیز سکوت قانون آیین دادرسی کیفری به گونه‌ای است که همگی تاب تفسیرهای معارض را داشته و لذا احتمال وجود برداشت‌های متعارض در این خصوص وجود دارد که خود از نظر حقوق دادرسی کیفری و در جهات بسیاری واجد اثر است.

قطعاً خود دیوان عالی کشور در کسوت و مقامی نیست که بتواند در مورد چنین زمانی به‌طور قاطع اظهار نظر کرده و لذا همچنان باب بحث و ابهام در این راستا مفتوح می‌باشد و در شرایط کنونی جز مراجعه به عمومات قانونی کشور راه چاره دیگری در دسترس به نظر نمی‌رسد، مگر آنکه در مراجع قانونی مستقلاً در این خصوص اظهار نظر روشن و قاطع صورت گیرد.

۲-۷. احتمال تقابل با اصول و قواعد حقوقی

هر چند ایجاد وحدت رویه قضایی امری مطلوب است، اما نباید با پاسخ‌های ناموجه به مسائل اختلافی محقق شود. ارزیابی آرای وحدت رویه نشان می‌دهد که برخی از آن‌ها بی‌توجه به اصول و قواعد حقوقی مربوط صادر شده‌اند (رفیعی، ۱۴۰۱، ص ۷۵). برخی از حقوقدانان ویژگی قانون بودن آرای وحدت رویه را به‌طور کلی با مقررات عام نظام حقوقی ایران ناسازگار دانسته و مدعی‌اند در قانون اساسی و قوانین عادی هیچ تکلیفی برای محاکم در موقع رسیدگی به دعاوی برای مستند قرار دادن آرای وحدت رویه پیش‌بینی نشده است و از قانون ماده واحده ناظر به ایجاد وحدت رویه هم هرگز چنین مفهومی برداشت نمی‌شود (مردانی و بهشتی، ۱۳۸۰، ص ۴۹).

این گروه از حقوقدانان به ماده ۵ قانون آیین دادرسی مدنی و نیز بند ۴ ماده ۱۹۸ همان قانون و اصل ۵۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران استناد می‌کنند. مطابق ماده ۵ قانون آیین دادرسی مدنی: «دادگاه‌ها هر دعوی را با قانون تطبیق کرده و حکم آن را تعیین می‌نمایند و نباید به‌طور عموم و قاعده کلی حکم بدهند». این ماده به‌زعم آن‌ها حاوی یک قاعده حقوقی است که با اعطای وصف قانون به آرای وحدت رویه عملاً در چالش قرار می‌گیرد. البته به نظر می‌رسد در این حوزه عمق بحران این‌قدر وسیع نباشد و مثلاً می‌توان در موضعی مخالف مدعی شد که اتفاقاً چون آرای وحدت رویه قانون محسوب می‌شوند، پس عملاً محاکم باید در دادرسی‌های مختلف به آنها نیز در کنار قوانین موجود استناد نمایند و عدم استعمال الفاظی که مفید معنای قانون‌بودگی آرای مذکور باشد، تاب ارائه چنان تفاسیر مخالفی را ندارد. با این

وجود، تردیدی نیست که برخی از آرای وحدت رویه وجود دارند که در برخی جهات بی‌دلیل موجب تعرض به حریم بسیاری از اصول قواعد حقوقی شده‌اند.^۱

اگرچه هدف تدوین‌کنندگان قوانین وضع و نوشتن قوانینی کارآمد و بی‌عیب است، ولی در عمل وجود نقایص موجود در متن قوانین بستر ساز بروز مشکلات بسیاری برای قضات هنگام صدور رأی می‌گردد. این ایرادات سبب می‌شوند تا در موضوعات مشابه احکام متفاوتی از سوی دادگاه‌ها صادر گردد که در قالب صدور و بروز رویه‌های متفاوت قضایی خود را نشان می‌دهد. مواردی چون وجود ابهام و نقص در قانون، سکوت قانون و اجمال آن و همین‌طور وجود تعارضات احتمالی در متن قوانین فقط گوشه‌هایی از مظاهر نقص و کاستی در متون قانونی است که خود در برداشت‌های ناهماهنگ از قوانین و لزوم صدور آرای وحدت رویه نقش دارند. لذا به منظور کاسته‌شدن از دامنه آرای وحدت رویه علاوه بر همه اصلاحات ساختاری در قوانین عادی و حتی قانون اساسی، لازم است که قانون‌گذار به‌طور کلی به هنگام وضع و نگارش قوانین به‌گونه‌ای دست به‌گزینش محتواهای حقوقی و قانونی بزند که در عمل این‌قدر برداشت متعارض از ظاهر و باطن قوانین پدیدار نگردد. تردیدی نیست که فزونی تعداد و حجم آرای وحدت رویه اصلاً نشان از سلامت و انضباط عملکردی نظام قانونی کشور نداشته و حتی به‌طور کلی عاملی در بدبینی نسبت به رویکردهای قانونی موجود در جامعه است. انجام چنین تحرکاتی در ساختار کلان نظام حقوقی کشور در هم‌سویی با قواعدی چون نگارش قوانین شفاف و عاری از ابهام می‌باشد که خود از قواعد حقوقی-قانونی مسلم در سراسر نظام حقوقی ایران است.

بحث و نتیجه‌گیری

قضات فقط مجری محض قانون نیستند. به همین خاطر است که نوعاً می‌توان مصلحت‌اندیشی قضات هیئت عمومی دیوان عالی کشور در صدور آرای وحدت‌رویه علی‌رغم همه چالش‌هایی که فراروی آن است تصدیق نموده و منطق بنیادین آنکه مبنی بر رفع سوءبرداشت و استنباط‌های

۱. پژوهش‌هایی در سالهای اخیر در نقد آرای وحدت رویه منتشر شده‌اند اشاره می‌شود: سیاه بیدی کرمانشاهی، سعید، نقدی بر رأی وحدت رویه شماره ۷۹۴ هیئت عمومی دیوان عالی کشور در باب بطلان توافقات مغایر با مصوبات بانک مرکزی پیرامون تعیین سود تسهیلات فصلنامه رأی مطالعات آرای قضایی، شماره ۳۱، تابستان ۱۳۹۹، صص ۱۰۸-۸۷؛ محسنی حسن؛ مزد کوتاهی در پرداخت مزد (نقدی بر رأی وحدت رویه شماره ۷۵۷ هیئت عمومی دیوان عالی کشور) مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۱، بهار ۱۳۹۹، صص ۱۸۸-۱۷۱؛ فرحی، معصومه سادات و همکاران؛ باز کاوی فقهی حقوقی آراء وحدت رویه ۷۰۸ و ۷۱۸ در پرتو ادله مشروعیت حق حبس زوج، فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره ۲۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، صص ۳۵۳-۳۷؛ صادق پور محمدجعفر؛ نقدی بر رأی وحدت رویه شماره ۷۶۱ مورخه ۱۳۹۶/۸/۰۲ هیئت عمومی دیوان عالی کشور در خصوص دیه شکستگی بینی، فصلنامه رأی مطالعات آرای قضایی، شماره ۳۴، بهار ۱۴۰۰، صص ۵۹-۷۳.

متهافت از نصوص قانونی است، امری قابل دفاع تحلیل و ارزیابی نمود. پذیرش و اعمال رأی وحدت رویه می‌تواند موجب تسریع در روند رسیدگی به پرونده‌ها و ایجاد عدالت بیشتر در همه مراجع و محاکم ذی‌ربط واقع گردد و از دادرسی‌های اختلافی و سلیقه‌ای تا حدود زیادی جلوگیری نماید.

در وضع فعلی سیاست جنایی قضایی ایران، آرای وحدت رویه همان رویه‌های قضایی الزام‌آور هستند که اعتباری هم‌ردیف با قوانین یافته و تعدی از آنها نقض قانون محسوب می‌شود. با این وجود و گرچه آرای وحدت رویه در حکم قانون و از قواعد الزام‌آور به‌شمار می‌روند، ولی جایگاه و اعتبار آنها به اهمیت سایر قوانین نیست. به طور کلی، کاربرد آرای وحدت رویه در محاکم بوده و قانون‌گذار محاکم را بر پیروی از آنها ملزم ساخته است، به همین خاطر برخی از حقوقدانان ادعا کرده‌اند که این آراء عملاً برای سایر دستگاه‌های اجرایی و اداری تکلیفی مشخص نکرده‌اند، اما قطعاً ویژگی قانون محسوب شدن آرای مذکور هرگز اجازه طرح چنین دیدگاهی و عمل به آن را نمی‌دهد و باید گفت کلیه مخاطبین قوانین حسب مورد به مانند سایر قوانین در مواجهه با آرای وحدت رویه تکلیف به همراهی و متابعت از آنها دارند؛ اما در این حقیقت هم تردیدی وجود ندارد که رأی وحدت رویه نوعاً جایگاه و اعتبار کمتری نسبت به قانون داشته و به نظر می‌رسد که وضع و تصویب آنها نمی‌تواند باعث شود که بتوان از قوه قضاییه در کنار قوه مقننه به‌عنوان یک مرجع قانون‌گذاری رسمی در ایران یاد نمود، وگرنه با هیچ استدلالی نمی‌توان موجودیت آنها را مصداقی از نقض اصل تفکیک قوا که در قانون اساسی هم به رسمیت شناخته شده است، تلقی نمود.

صرف نظر از موقعیت و تشریفات شکلی و ماهوی صدور آرای وحدت رویه، آنچه که مسلم بوده این است که این آراء به‌طور کلی و در جهات بسیاری، امروزه با چالش‌ها و ابهاماتی مواجه شده‌اند که پاسخ‌گویی به آنها مستلزم بازنگری در برخی از مؤلفه‌های نظام حقوق اساسی، حقوق عمومی و به‌ویژه رژیم دادرسی در دیوان عالی کشور است. برخی از این چالش‌ها مانند احتمال تقابل با موازین شرعی و اصول قانون اساسی و چالش با رویکردها و سیاست‌های قضایی و عملی شورای نگهبان جنبه ماهوی و ساختاری داشته که رهایی از آنها هرگز به مدد اصول تفسیری متداول ممکن نبوده و بلکه مستلزم موضع‌گیری رسمی و شفاف مبادی و مراجع تصمیم‌گیر و عالی‌ترین در کشور است. برخی دیگر از چالش‌های فراروی این آراء جنبه شکلی و اجرایی داشته که در عمل موجب شده‌اند تردیدهایی در خصوص آرای وحدت رویه صورت گیرد. احتمال تقابل یافتن با قواعد و اصول کلی حقوقی و مشخص نبودن زمان لازم‌الاجرا شدن آرای مذکور در ردیف این نوع چالش‌ها و مشکلات قرار دارد که هرکدام به نحوی موجب شکل‌گیری یک‌سری رویه‌ها و تفسیرهای متهاافت و گسترده در خصوص این

آراء شده است. این چالش‌ها نه تنها موجب تضعیف انسجام درونی آرای وحدت رویه می‌شوند، بلکه می‌توانند به ناپایداری و ناهمگونی سیاست جنایی قضایی ایران بینجامند.

در سطح کلان، استمرار این وضعیت چالش کاهش مشروعیت هنجاری سیاست جنایی قضایی، تضعیف اصل پیش‌بینی‌پذیری احکام کیفری و خدشه به عدالت کیفری را در پی دارد. به‌ویژه در شرایطی که آرای وحدت رویه فاقد نظارت پیشینی یا پسینی مؤثر از حیث انطباق با شرع و قانون اساسی هستند، امکان بروز تعارض میان سیاست جنایی قضایی و مبانی بنیادین نظام حقوقی افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، انعطاف‌ناپذیری نسبی در اصلاح و بازنگری این آراء، مانعی جدی در برابر انطباق سیاست جنایی قضایی با تحولات اجتماعی و جرم‌شناختی معاصر محسوب می‌شود. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که پرداختن به چالش‌های آرای وحدت رویه صرفاً یک بحث فنی در حوزه آیین دادرسی کیفری نیست، بلکه تحلیلی بنیادین از یکی از ارکان تعیین‌کننده سیاست جنایی قضایی ایران به‌شمار می‌آید. اصلاح و بازاندیشی در سازوکار صدور، نظارت و بازنگری آرای وحدت رویه، شرط لازم برای ارتقای انسجام، مشروعیت و کارآمدی سیاست جنایی قضایی و تحقق عدالت کیفری پایدار در نظام حقوقی ایران است.

لذا برای ارتقای کارآمدی و ثبات نظام قضایی، به‌ویژه در حوزه سیاست جنایی قضایی، همکاری نزدیک و هم‌افزایی بین قوه قضاییه و جامعه علمی، بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد. تحلیل دقیق و مستمر سیاست جنایی و رویه‌های قضایی مرتبط، نیازمند پژوهش‌های نظری و تطبیقی منسجم است. ایجاد رشته‌های دانشگاهی تخصصی در این حوزه، انتشار مقالات علمی معتبر و تأسیس مراکز پژوهشی، از جمله راهکارهایی هستند که می‌توانند به این هدف کمک کنند. با وجود گام‌های مثبتی که در سال‌های اخیر برداشته شده، هنوز چالش‌های قابل توجهی در مسیر ایجاد آرای وحدت رویه در سیاست جنایی قضایی وجود دارد؛ بنابراین، قوه قضاییه باید با فراهم آوردن بسترها و تسهیلات لازم، از پژوهش‌های علمی و مشارکت متخصصان دانشگاهی در تدوین و اجرای سیاست جنایی قضایی حمایت کند تا به ثبات و انسجام بیشتری در این حوزه دست یابیم.

منابع

- اسدیان، ابراهیم. (۱۳۹۴). *آیین دادرسی در دیوان عالی کشور*. چاپ اول. سنجش.
- باری، مجتبی. (۱۳۹۶). *نکات کلیدی آرای وحدت رویه*. کتاب آوا.
- حسینی، محمدرضا. (۱۳۸۸). *آیین دادرسی در دیوان عالی کشور*. چاپ اول. نو.
- جعفری تبار، حسن. (۱۳۹۶). *دیو در شیشه، در فلسفه رویه قضایی*. ویراست دوم. نگاه معاصر.
- داوید، رنه. (۱۳۸۳). *نظام‌های حقوقی بزرگ معاصر (سید حسین صفایی، مترجم)*. بنیاد حقوقی میزان.
- راسخ، محمد. (۱۳۹۸). *نگاهی به مبانی حقوق عمومی*. دیباچه در کلیات حقوق عمومی. چاپ اول. مجلد.
- رفیعی، محمدرضا. (۱۴۰۱). *ایجاد وحدت رویه (مبانی، چالش‌ها و راهکارها)*. چاپ اول. مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- سیاه بیدی، سعید. (۱۳۹۹). *نقدی بر رأی وحدت رویه شماره ۷۹۴ دیوان عالی کشور در باب بطلان توافقات مغایر با مصوبات بانک مرکزی پیرامون تعیین سود تسهیلات*. فصلنامه رأی (مطالعات آرای قضایی)، ۹(۳۱)، ۸۷-۱۰۸.
- https://www.raayjournal.ir/article_45687.html
- صادق‌پور، محمدجعفر. (۱۴۰۰). *نقدی بر رأی وحدت رویه شماره ۷۶۱ مورخ ۱۳۹۶/۰۸/۰۲ هیئت عمومی دیوان عالی کشور در خصوص دیه شکستگی بینی*. فصلنامه رأی (مطالعات آرای قضایی)، ۱۰(۳۴)، ۵۹-۷۳.
- https://pr.jri.ac.ir/article_719529.html
- طباطبایی مؤتمنی. (۱۳۸۹). *آزادی‌های عمومی و حقوق بشر*. دانشگاه تهران.
- فرحی، معصومه سادات، امید فرد، عبدالله، و راغبی، محمدعلی. (۱۳۹۹). *بازکاوی فقهی حقوقی آراء وحدت رویه ۷۰۸ و ۷۱۸ در پرتو ادله مشروعیت حق حبس زوجه*. فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۵۳(۲)، ۳۵۳-۳۷۰.
- https://journal.ut.ac.ir/article_81085.html
- کریمی، علیرضا. (۱۳۹۰). *نگاهی به کارکردهای آرای وحدت رویه در حقوق ایران*. حقوق و سیاست.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۲). *مبانی حقوق عمومی*. چاپ دوم. بنیاد حقوقی میزان.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۵۴). *نقد رویه قضایی*. مجله کانون وکلا.
- محسنی، حسن. (۱۳۹۹). *مزد کوتاهی در پرداخت مزد (نقدی بر رأی وحدت رویه شماره ۷۵۷ هیئت عمومی دیوان عالی کشور)*. *مطالعات حقوق خصوصی*، ۵۰(۱)، ۱۷۱-۱۸۸.
- محمدزاده، اسماعیل. (۱۳۹۳). *حقوق اساسی در آئینه رویه قضایی*. چاپ اول. نشر اسلامی.

- محمدزاده وادقانی، علیرضا. (۱۳۷۶). رویه قضائی و نقش سازنده آن در حقوق. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۳۸(۱۲۵)، ۴۳-۶۵.

https://journals.ut.ac.ir/article_15904.html

- مدنی، جلال‌الدین. (۱۳۷۵). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران. چاپ چهارم. آگاه.

- منتسکیو. (۱۳۸۷). روح‌القوانین (علی‌اکبر مهتدی، مترجم). چاپ خانه مجلس.

- موسوی، عباس. (۱۳۷۹). بازنگری در آرای وحدت رویه. چاپ اول. سنجش.

- مردانی، نادر، و بهشتی، محمدجواد. (۱۳۸۰). آیین دادرسی مدنی و بازرگانی. چاپ اول. دادگستر.

- نیکونهاد، حامد، و زهرا، زندیه. (۱۳۹۸). حکومت موازین اسلامی بر اطلاق و عموم اصول قانون اساسی در رویه فقهای شورای نگهبان؛ نگاهی رویه‌ای به آثار نظارت شرعی بر اصول قانون اساسی. دانش حقوق عمومی، ۸(۲۴)، ۱۰۹-۱۳۲.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1679615>

- وکیلان، حسن. (۱۳۹۷). جایگاه رویه قضایی و قانون به‌عنوان منابع حقوق در دکترین حقوقی. پژوهش حقوق عمومی، ۱۹(۵۸)، ۸۱-۵۷.

https://qjpl.atu.ac.ir/article_8608.html

- هاشمی، سید محمد. (۱۳۹۱). بایسته‌های حقوق اساسی. بنیاد حقوقی میزان.

- Ackerman, B. (2000). The new separation of powers. *Harvard Law Review*, 113.
- Barnard, C., & Peers, S. (2020). *European Union law* (3rd ed.). Oxford University Press.
- Clark, T. (1975). Separation of powers. *Willamette Law Journal*, 11.
- Elliot, C., & Quinn, F. (2011). *English legal system* (12th ed.). Prentice Hall.
- Gillespie, A., & Siobhan, W. (2021). *The English legal system* (8th ed.). Oxford University Press.
- Howard, Y. (2023). *Legal Justice in 21Century*, (2nd ed.). London:
- Norbert, M. E. (2019). *Legislation and new approach* (8th ed.). Sage.
- Sanchez, F. (2019). *Legal systems and social theories* (4th ed.). Polity Press.

